



# نگاهی به رویکرد مدیریتی و راهبردی پیامبر اکرم (ص)

در مدینه

محمد حسین معتمد راد  
دبیر بازنشسته



## اشاره

رسول خدا، حضرت محمد (ص)، در نخستین روزهای ورود به مدینه، علاوه بر آموزش و تربیت، شخصاً به رتق و فتق امور و اداره تمام شئون زندگی و حیات امت اسلامی پرداخته و زعامت سیاسی جامعه را به عهده گرفت. ایشان در جزیره العرب که هیچ‌گونه دولت و حکومتی در آن وجود نداشت و تنها نظام قبیله‌ای مبتنی بر تعصب‌های قومی و عصبیت‌های جاهلی بر اعراب بدوی آنجا حاکم بود، نخستین دولت اسلامی را پی‌ریزی و تأسیس کرد.

بررسی دقیق تاریخ اسلام نشان می‌دهد، پیامبر (ص) با عنایت به اقداماتی نظیر دعوت خویشاوندان، دعوت قبایل عرب، پیمان‌نامه عقبه و هجرت، تشکیل دولت اسلامی را در سرزمین حجاز که فاقد هر گونه قدرت مرکزی بود و صرفاً قبایل بر اساس هم‌بستگی قبیله‌ای و خانوادگی با هم مرتبط بودند سرلوحه اهداف خویش قرار داد و در فرصتی مناسب با هجرت به مدینه، اولین دولت اسلامی را تشکیل داد. سپس با اقداماتی نظیر پاسخ به تعارضات و تحرکات، بیعت گرفتن، مشاوره با مردم، اجرای اصل عدالت و مساوات، بنای مسجد و اقامه جماعت، ایجاد پیمان برادری بین شهروندان مسلمان، تدوین قانون اساسی، تأمین امنیت ثغور اسلامی، سازمان‌دهی نیروی نظامی و تنظیم و تشکیل نظام اداری، هدایت و کنترل اقتصاد و بازار سرمایه، وضع قوانین بر اساس آیات الهی، و فصل خصومات و صدور احکام قضایی، ساختار سیاسی دولت خود را تکمیل کرد. آنچه در این نوشتار می‌آید نگاهی گذرا بر عملکرد یا رویکرد پیامبر اکرم (ص) در ساختار حکومت خود است.

**کلیدواژه‌ها:** پیامبر اکرم (ص)، حکومت، مدینه، قرآن، جزیره العرب



## پایه‌گذاری حکومت

مهاجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه هرگز به تضاد اشرافیت مکه با او خاتمه نداد. مکیان که به تعارض جدی و اساسی عقاید حضرت محمد(ص) با باورهای خویش و نیز رویکرد اجتماعی توحید با شرک، به خوبی واقف بودند، حاضر نبودند به هیچ نوع مصالحه یا متارکه‌ای تن دهند. حتی جناح تندروی مشرکین بر ریشه‌کن ساختن آیین حضرت محمد (ص)، با قتل ایشان و کشتار پیروانش، اصرار داشتند.

پیامبر (ص) با وقوف دقیق بر شخصیت اشراف مکه، خوب می‌دانست که مکیان با به‌کار گرفتن تمام تلاش خود برای تهدید امنیت مدینه، در نخستین فرصت مسلمین را مورد هجوم قرار خواهند داد. با این نگاه و براساس تفکر صحیح خود در مدینه حکومت خود را پایه‌گذاری و تمام گروه‌ها را به اتحاد دعوت کرد. این اتحاد سیاسی در قالب نخستین قانون اساسی مکتوب در اداره جامعه و نظام سیاسی و اجتماعی مدینه به وقوع پیوست. همچنین احترام به عقاید مخالف و شناسایی حقوق اقلیت‌های دینی، از جمله اقدامات پیامبر (ص) بود که در جامعه نوپای مدینه می‌باید آن را به اجرا در می‌آورد. پیامبر(ص) توانست منشور یا قانون اساسی مدینه را در ۴۷ ماده تنظیم و آن را اجرا کند.

پیمان وحدت سیاسی - نظامی پیامبر (ص) با مشرکین و یهودیان در همان روزهای نخست مهاجرت، در حقیقت اولین اقدام هوشیارانه‌ای بود که مانعی جدی در مقابل هجوم سریع مشرکین مکه به مدینه را فراهم آورد.

## پاسخ به تعارضات و تحریکات

دومین اقدام پیامبر (ص) پس از پیمان وحدت سیاسی - نظامی، پاسخ به تعارضات و تحریکات بود. در آغاز سال دوم هجرت، قریش به تدریج خود را برای حرکت‌های ایذایی، تهدید امنیت مدینه و در نهایت هجوم به مسلمین آماده کرد.

پیامبر (ص) که همواره انتظار چنین تحریکاتی را داشت، هوشیارتر از آن بود که قریش ایشان را غافلگیر کند. به همین دلیل در فاصله‌های زمانی معینی به گروه‌های نظامی و اطلاعاتی با هدف‌های مشخص مأموریت می‌داد، ضمن کسب اطلاعات نظامی و خنثی کردن تحریکات محدود قریش، امنیت مکیان و گاه کاروان‌های تجاری ایشان را مورد تهدید قرار دهند. زیرا امنیت راه تجاری بین مکه و شام، که ناگزیر از محدوده مدینه می‌گذشت، هم برای قریش اهمیت حیاتی داشت و هم عاملی برای علاقه جدی اشراف به برانداختن قدرتی بود که اکنون در گلوگاه تجارت ایشان نشسته بود.

عوامل زیادی باعث شدند، بدویان با تحریکات قریش همراه شوند و به آن‌ها پاسخ مساعد دهند. نفوذ قریش به‌عنوان یک قبیله سیاسی - نظامی، تضادهای اعتقادی بدویان با مسلمین، و علاقه ایشان به غارت مدینه، از جمله عوامل تمایل بدویان به مشارکت با قریش در حرکت‌های ایذایی یا اقدامات نظامی مستقل بر ضد مسلمین بودند.

در همین راستا، سیاست قریش برای تحمیل نامنی به دولت مدینه نمی‌باید بدون پاسخ می‌ماند، چه در این صورت:

۱. به ضعف و ناتوانی حکومت مدینه تفسیر می‌شد و بر گستاخی قریش می‌افزود؛
  ۲. باعث ناامنی در مدینه می‌شد و روحیه مسلمین و هم‌پیمانان آنان را تضعیف می‌کرد؛
  ۳. به هم‌بستگی فزون‌تر بدویان با قریش می‌انجامید.
- از آنجا که مدینه بر سر راه شام (مسیر تجاری) قرار داشت، پیامبر (ص) بر آن شد که با حرکتی دفاعی، قریش را از طریق تهدید کاروان‌های مکه تحت فشار قرار دهد.

## بیعت گرفتن

از اقدامات دیگر پیامبر (ص) پس از تشکیل حکومت، بیعت گرفتن در جنگ‌ها بود. ایشان وقتی مشاهده می‌کردند که درگیری با مشرکین قطعی است، مسلمین را برای آگاهی از شرایط جنگی و گرفتن بیعت، جمع کردند و از اوضاع و اهداف جنگ برای آنان سخن گفتند. در جنگ بدر نیز طبق گزارشی که **ابن اسحاق** آورده است، پیامبر (ص) در «ذفران» و مطابق روایت **واقدی** در نزدیکی «بدر»، از حضور سپاه قریش آگاه شدند و همانجا از مهاجرین و انصار درخواست بیعت کردند (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۳: ۳۷۸).

## احترام به نظرات مردم

مشورت و احترام به نظرات مردم از اقدامات دیگر پیامبر (ص) در مدینه بود. مسلماً هرگز پیامبر (ص) در احکام الهی و قانون‌گذاری، با مردم مشورت نمی‌کرد، بلکه در این موارد تابع امر خدا و وحی الهی بود. ولی در مورد شیوه اجرای دستورات و نحوه پیاده کردن احکام الهی، با مردم مشورت می‌کردند. مثلاً حکم «جهاد» و جنگیدن با مهاجمان به حریم اسلام، دستور و قانون الهی بود. لیکن چگونگی و طرز اجرای این حکم، با مشورت مسلمانان صورت می‌گرفت. چنان که آن حضرت در جنگ بدر، در سه مرحله به شرح زیر، اصحاب خود را به مشاوره دعوت کرد و از آن‌ها نظر خواست:

**اول:** درباره اینکه اصلاً با قریش بجنگند یا خیر که همه جنگ را ترجیح دادند و آن حضرت (ص) رأی آن‌ها

**مشورت و احترام به نظرات مردم از اقدامات دیگر پیامبر (ص) در مدینه بود. مسلماً هرگز پیامبر (ص) در احکام الهی و قانون‌گذاری، با مردم مشورت نمی‌کرد، بلکه در این موارد تابع امر خدا و وحی الهی بود**

را تصویب کرد.

**دوم:** درباره اینکه محل اردو کجا باشد و نظر **حباب بن منذر** که محل اردوگاه کنار چاه بدر باشد، مورد تأیید واقع شد.

**سوم:** درباره اینکه با اسیران جنگی چگونه برخورد شود. پیامبر (ص) در اموری که فرمان صریح الهی وجود نداشت، اصحاب را به سوی مشورت و تدبیر و تأمل سوق می داد. این شیوه، هم به اتخاذ درست‌ترین راه‌ها منجر می شد و هم زمینه‌ای را برای مشورت و هم‌فکری عمومی فراهم می کرد. با توجه به اینکه اسیران جنگی بدر مردانی بودند که ۱۳ سال بر مسلمانان رنج و عذاب، شکنجه، و تهمت روا داشته بودند، برخی از مسلمانان، خواستار به قتل رساندن آن‌ها بودند. ولی برخی دیگر علاقه داشتند با گرفتن فدیه از اسیران و آزادی ایشان، توانایی مالی مسلمین در برابر مشرکین افزایش یابد. در این مورد، پیامبر (ص) پس از خاتمه مشورت، نظر طرفداران دریافت فدیه را تأیید کرد. پیامبر (ص) به جز در مواردی خاص، قتل اسیران جنگی را خلاف هدف‌های بعثت خواند. از این رو فرمان داد با همه اسیران جنگی به عطف و رفتار شود و وسایل آسایش ایشان را تا زمان آزادی فراهم سازند.

اهمیت دادن به قشر جوان و مشورت کردن با آنان نیز یکی از عملکردهای پیامبر (ص) در جنگ‌ها بود. مورخان درباره جنگ احد نوشته‌اند که پس از حضور قریش در نزدیکی مدینه، راهبرد دفاعی در شورای نظامی به بحث گذاشته شد. پیامبر (ص) و بزرگان اصحاب به اتخاذ موضع دفاعی در مدینه رأی دادند، اما به گزارش مورخان، برخی افراد که در بدر حضور نداشتند و می‌خواستند در این جنگ آن غیبت را تلافی کنند و جنگ دفاعی درون مدینه را علامت زبونی و ناتوانی می‌دانستند، اصرار به جنگیدن در بیرون شهر را داشتند. پیامبر (ص) نیز علی‌رغم باور به درستی موضع دفاعی در مدینه، رأی آن‌ها را پذیرفت (همان، ص ۴۰۲).

آری، تصمیم‌گیری پیامبر (ص) در امور نظامی براساس تفاهیم و مشورت انجام می شد و تاریخ ایشان را شخصیتی معرفی می‌کند که به آرای دیگران احترام می‌گذاشت و امور را به طریق شوری به انجام می‌رساند. ایشان مسلمانان را برای رهایی به درست‌ترین تصمیمات به مشاوره تشویق می‌کرد و مشورت با دیگران را شریک شدن در عقل و تدبیر دیگران می‌شمرد. نه تنها در مورد اتخاذ تاکتیک دفاعی در جنگ، بلکه در سایر موارد نیز از آرای دیگران استفاده می‌کرد.

تصمیم و اراده برای شخصیتی چون پیامبر (ص) که هم رهبر دینی و هم فرمانده لشکر مسلمین است،

آن قدر اهمیت دارد که علی‌رغم باور به درستی رأی خود و بزرگان اصحاب (در احد) که در اکثریت بودند، نظر جوانان را قبول کردند. همین جوانان وقتی با سرزنش **سعد بن معاذ** و **اسید بن حُصیر** از اصرار خود دست کشیدند، نزد پیامبر (ص) رفتند و عدول خود را از تاکتیک تهاجمی اعلام داشتند، پیامبر (ص) پاسخ داد: **سزاوار نیست که وقتی رسول خدا لباس رزم پوشید، آن را از تن درآورد (همان، ص ۴۰۳).** نمونه‌های مشورت آن حضرت با دیگران زیاد است. به حدی که از یکی از همسران رسول‌الله (ص) نقل است: «ما رأیت رجلاً اکثر استشارة للرجال من رسول الله» مردی را ندیده‌ام که بیشتر از رسول خدا (ص) با مردم به مشورت بپردازد. این کار (توجه به افکار عمومی) شخصیت دادن به مردم و احترام به آرای آن‌ها بود و یکی از عوامل موفقیت آن حضرت در سیره حکومتی و شیوه مدیریتی ایشان به‌شمار می‌رفت.

### اعتقاد به اصل مساوات و برابری

تحقق «اصل مساوات و برابری» یکی از اهداف پیامبر (ص) در پایه‌گذاری حکومت مدینه به‌شمار می‌رفت. آن حضرت مردم را همانند دانه‌های شانه با هم برابر می‌دانست و براساس تعالیم قرآن کریم: «ان اکرمکم عندالله اتقاکم»، ملاک برتری افراد را بر یکدیگر، بر پایه «تقوا» معرفی می‌کرد. در تفسیر این آیه، در خطبه «حجة الوداع» فرمود: «بهراستی پروردگارتان یکی است و پدر شما یکی. همه شماها از نسل آدم هستید و آدم از خاک است. گرمی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست. هیچ عربی را بر هیچ عجمی (غیرعرب) برتری نیست، جز به تقوا.»

آن حضرت بین عرب و عجم، سیاه‌پوست و سفیدپوست تفاوتی قائل نبود. **سلمان فارسی** غریب ناآشنا را، بر **ابولهب** قریشی ترجیح می‌داد و می‌فرمود: «سلمان در شمار اهل بیت است»؛ چراکه سلمان اهل تقوا بود و این ملاک برتری او بر عمویش **ابولهب** به‌شمار می‌رفت (جوان‌مهر، ۱۳۸۳: ۱۳۸ - ۱۳۷).

در تقسیم غنائم بدر، سیاست اقتصادی پیامبر (ص) براساس مساوات افراد جامعه بود. نوشته‌اند وقتی در جنگ بدر، غنائم به‌دست مسلمین قرار گرفت، گروهی از آنان برای مالکیت غنائم و تعیین میزان غنائم اختصاص یافته به هر یک، و در مورد فزونی و کاستی نقش خویش در به‌دست آوردن آن ثروت، با هم گفت‌وگو و حتی مشاجره کردند. گمان هر کدام آن بود که هر کس هر آنچه با دست خویش به‌دست آورده است، به خود او اختصاص دارد. نظر پیامبر (ص) آن بود که این ثروت‌های به‌دست آمده حاصل عملکرد جمعی است، و همه سهم دارند.

به دستور ایشان همه مسلمانان موظف شدند غنائمی

آن حضرت بین عرب و عجم، سیاه‌پوست و سفیدپوست تفاوتی قائل نبود سلمان فارسی غریب ناآشنا را، بر ابولهب قریشی ترجیح می‌داد و می‌فرمود: «سلمان در شمار اهل بیت است»؛ چراکه سلمان اهل تقوا بود و این ملاک برتری او بر عمویش ابولهب به‌شمار می‌رفت



جنگی، از کسی انتقام نگرفت. چه آنان که آزارش دادند، چه آنان که در بعضی موارد برای جنگ‌ها تحریک شده بودند و چه اقوامی مانند «یهودیان بنی قینقاع» که پیمان شکنی کردند و پیامبر (ص) از قتل آن‌ها گذشت و آنان را به «أذرع» تبعید کرد.

پس از جنگ بدر، نخستین غزوه بسیار مهم، غزوه یهودیان بنی قینقاع بود. یهودیان بنی قینقاع از هم‌پیمانان حضرت رسول (ص) بودند که با عقد و پیمان، عضوی از جامعه مدینه شدند. اما آنان پس از غزوه بدر راه مخالفت و نافرمانی پیش گرفتند و پیمان را شکستند. با اینکه پیامبر (ص) آنان را نصیحت کرد و فرمود از سرنوشت خویش پند گیرند و اسلام آورند ولی بنی قینقاع پاسخ درشت دادند و گفتند قریش مردمی ناتوان در جنگ بودند و ما مرد میدان جنگیم. با این پاسخ و درگیری‌هایی که این قوم به وجود آوردند، پیامبر (ص) برای جنگ با آنان آماده شد و ایشان را ۱۵ روز محاصره کرد. در زمان محاصره، خداوند در دل‌های یهودیان رعب افکند و تسلیم شدند. سپس پیامبر (ص) با میانجیگری **عبدالله بن ابی** که با بنی قینقاع هم‌پیمان شد، از کشتن ایشان درگذشت و پذیرفت که از مدینه کوچ کنند. آن‌ها نیز به «أذرع» شام رفتند. حضرت رسول (ص) در هیچ شرایطی حاضر به خون‌ریزی نبود و سخت‌ترین دشمنان خود را نیز از لطف و مهربانی‌های خود، بی‌نصیب نفرمود.

یهود بنی قینقاع با اینکه ناقض پیمان وحدت جامعه مدینه بودند و به نصایح پیامبر (ص) توجهی نکردند و مجازات آن‌ها می‌توانست شدیدتر باشد، ولی پیامبر (ص) با تبعید آن‌ها موافقت کرد و آن‌ها از شهر مدینه فاصله گرفتند.

### تدابیر و برنامه دفاعی

برنامه دفاعی و تدابیر پیامبر (ص) تأثیر بسزایی در نتیجه جنگ‌ها داشت. اگر به تقسیم و چیدمان نیروها در «احد» دقت کرده باشیم، به شیوه نظامی پیامبر (ص) پی خواهیم برد. ایشان سپاه خود را در احد در سه صف مرتب کرد، در یکی از آن صف‌ها، ۵۰ تن از بهترین جنگجویان را برگزید و رهبری این عده را به **عبدالله بن جحیر** سپرد.

با کاوش در جزئی‌ترین حوادث ۲۳ سال دعوت و تبلیغ حضرت و ده سال نبرد و درگیری مخالفان با او، به خوبی می‌توان دریافت که پیامبر (ص) هم دارای طرح کلان نظامی بوده و هم در موقعیت‌های مختلف از تدابیر مناسب بهره برده است. برخی از اصول جنگی پیامبر (ص) عبارت‌اند از:

۱. شناسایی دقیق و کامل دشمن از طریق جمع‌آوری اطلاعات، آمار و خبرگیری‌های دقیق؛
۲. اجتناب از جنگ‌های هم‌زمان در چند جبهه؛
۳. رعایت اصل غافلگیری و مخفی نگه‌داشتن اسرار

را که به دست آورده بودند، در جایی از مدینه گردآورند. برخی از اصحاب که دریافته بودند پیامبر (ص) می‌خواهد غنائم را میان تمام مسلمین به مساوات تقسیم کند، نزد وی رفتند و به این سیاست اقتصادی اعتراض کردند. زرگری نژاد در کتاب «تاریخ صدر اسلام» (ص ۳۹۱) از قول واقدی آورده است: **سعد بن عباد** نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: «ای رسول خدا آیا سوار کاری که قوم را حمایت کرده است، باید در دریافت غنیمت با مردمان ضعیف برابر باشد؟» پیامبر (ص) پاسخ داد: ای سعد، مگر تنها ضعیفان نبودند که شما را یاری کردند؟

### سامان‌دهی به مناسبات اقتصادی

سامان دادن به مناسبات اقتصادی، تدارکات منابع درآمد برای اجرای سیاست‌های دولت، و بهسازی حیات اقتصادی جامعه نوپای مدینه، از جمله اساسی‌ترین و ضروری‌ترین اقدامات پیامبر اکرم (ص) پس از تشکیل حکومت بودند که سبب تحقق نظام اسلامی شدند. حکومت مدینه نمی‌توانست بدون سیاست‌گذاری‌های روشن اقتصادی به سوی هدف‌های عمومی خود حرکت کند.

چه بسا که فقدان عدالت اقتصادی می‌توانست آسیب‌های جدی به باورهای اجتماعی نیز وارد سازد و زمینه‌های درونی گریز از فضیلت و گرایش به دنیاطلبی و فساد را تشدید کند.

در همین زمان، حکم پرداخت «زکات» به‌عنوان یک مالیات تخلف‌ناپذیر اعلام و به مرحله اجرا گذاشته شد. با صدور فرمان الهی مبنی بر دریافت زکات از اموال ثروتمندان، پیامبر (ص) مانند اغلب قوانین، آن را به تدریج اجرا کرد تا هم واکنش منفی برخی از ثروتمندان مسلمان را که از پرداخت زکات ناخشنود بودند، تشدید نکند و هم فرصت معقول یکساله را برای مشمولین پرداخت این مالیات فراهم سازد.

قانون «خمس» اصلی دیگر در سیاست‌گذاری اقتصادی پیامبر (ص) بود که بعد از جنگ بدر (انفال/۴۱) مقرر شد یکی از مالیات‌های نظام حکومتی مدینه باشد. خداوند آن را به‌عنوان اصلی در کنار سایر اصول اقتصادی بیان داشت تا مجموعه آن‌ها نظام اقتصاد اسلامی و هدف‌های آن را متجلی و متحقق سازند. خمس، مالیاتی است که شامل تمام درآمدها می‌شود، و حضرت رسول (ص) نیز بر همین اساس از همه درآمدهای مشمول خمس یک پنجم آن را دریافت می‌کرد و به مصارف تعیین شده می‌رساند.

### عفو و گذشت

یکی از ویژگی‌های رفتاری رسول خدا (ص) در پایه‌گذاری حکومت، عفو و گذشت بود. این ویژگی در سیره اجتماعی آن حضرت (ص) تجلی و شکوه خاصی داشت. در اخبار و آثار است که پیامبر (ص) چه برای خود و چه در امور اجتماعی، سیاسی و حتی در امور جنگی، از کسی انتقام نگرفت

یکی از ویژگی‌های رفتاری رسول خدا (ص) در پایه‌گذاری حکومت، عفو و گذشت بود. این ویژگی در سیره اجتماعی آن حضرت (ص) تجلی و شکوه خاصی داشت. در اخبار و آثار است که پیامبر (ص) چه برای خود و چه در امور اجتماعی، سیاسی و حتی در امور جنگی، از کسی انتقام نگرفت

نظامی؛

۴. فشار اقتصادی بر دشمن؛
۵. بهره‌گیری از نیروهای تهاجمی و ضربتی و سرعت در پوشش‌های عملیاتی؛
۶. فرماندهی عالی و پیشگامی در تمامی لحظات بحرانی و محورهای تشدید نبرد؛
۷. مراقبت کامل از وحدت مجاهدان؛
۸. بهره‌گیری دقیق و مناسب از شیوه جنگ روانی؛
۹. توجه به اصول اخلاقی و انسانی؛
۱۰. توجه به نظرها و پیشنهادهای فرماندهان نظامی (نصیری، ۱۳۸۵: ۱۱۳)

## برخورد با اهل کتاب

یکی از اهداف پیامبر (ص) در تشکیل جامعه نوبنیاد مدینه، چگونگی تفاهم با اهل کتاب بود. ایشان با همه قبیله‌ها و با سران قوم یهود تفاهم‌نامه امضا کرد و از آنان تعهد گرفت که به شرط وحدت و پرهیز از خون‌ریزی، همواره در صلح و صفا زندگی کنند.

بیشتر یهودیان، با آنکه پیامبر (ص) را می‌شناختند، به دلایل مختلف با او به مخالفت برخاستند. **حیی بن اخطب**، رهبر «قبیله بنی‌نضیر» یکی از این افراد بود، ولی پیامبر (ص) با آنان پیمان ترک تعرض و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز امضا کرد. در اینجا به بخشی از بندهای این پیمان‌نامه اشاره می‌کنیم:

۱. مسلمانان و یهودیان همچون امتی واحد در مدینه خواهند بود.
۲. هر گروه در انجام مراسم دینی خود آزاد است.
۳. هر گاه مدینه مورد یورش دشمن قرار گیرد، هر دو گروه در دفاع از مدینه شرکت داشته باشند.
۴. در صورت صلح با دشمن، مشورت با هر دو طرف انجام خواهد شد.
۵. امضاکنندگان این پیمان‌نامه با خیرخواهی و حسن‌نیت در کنار هم به سر خواهند برد (همان، ص ۱۱۶).

سخن اصلی پیامبر (ص) در دعوت اهل کتاب و انتقاد از ایشان این بود که شما آیین اسلام را که دین واحد تمام انبیای الهی است، و انهداده‌اید و در اعمال و رفتار خود، از آن دین که اسلام نام دارد، منحرف شده‌اید. با توجه به آیه ۱۹ سوره آل عمران و تفسیر شفاف **علامه طباطبایی** باید دانست که رسول خدا، اهل کتاب را به جهت ترک دین واحد و فرو رفتن در وادی اختلاف‌ها سرزنش می‌کرده و به آنان خاطر نشان می‌ساخته است که: «دین در نزد خداوند متعال فقط یکی است و اختلافی در آن نیست» (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۳: ۴۲۴).

آیات ۲۰ تا ۲۵ سوره مبارکه آل عمران حاکی از آن است که میان اهل کتاب، **یهودیان**

جدی‌ترین مخاطبان دعوت پیامبر (ص) و عمده‌ترین مجاحه‌کنندگان با آن حضرت بوده‌اند. به موجب این آیات، می‌توان دریافت که رسول خدا (ص) برای بحث و گفت‌وگو با یهودیان مدینه تلاش فراوانی داشته و موفق هم شده است که تعدادی از علمای آنان را به اسلام سوق دهد (همان، ص ۴۲۵). از دیدگاه پیامبر (ص)، اگر یهودیان و مسیحیان اختلافات فرعی را که زائیده «بغی» و سرکشی نفسانی آنان بود کنار می‌گذاشتند، در دین اسلام به اصول مشترکی می‌رسیدند که می‌توانست شالوده وحدت مجدد تمام خداشناسان باشد و همه آنان را با مسلمانان به وحدت در اصول اساسی برساند.

## داستان مباحله

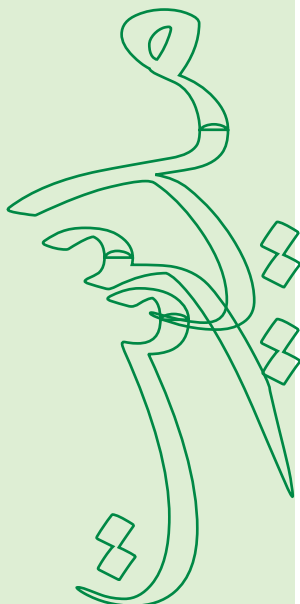
«نجران» تنها منطقه حجاز بود که مردم آن به عللی از بت‌پرستی دست کشیده و به آیین مسیح گرویده بودند. رسول خدا (ص)، به موازات مکاتبه با سران دول جهان و مراکز مذهبی، نامه‌ای به «اسقف نجران» نوشت و ساکنان آنجا را به آیین اسلام دعوت کرد.

اسقف نجران، پس از خواندن نامه، برای تصمیم‌گیری شورایی مرکب از شخصیت‌های بزرگ مذهبی تشکیل داد. شورا به این نتیجه رسید که گروهی به‌عنوان هیئت نمایندگی نجران به مدینه بروند تا از نزدیک نشانه‌های نبوت فرستاده خدا را بررسی کنند. این هیئت ۶۰ نفری، به سرپرستی سه پیشوای بزرگ مذهبی، وارد مدینه شد و پس از اتمام گفت‌وگو، پیامبر اسلام (ص) به آنان پیشنهاد «مباحله» کرد.

پیامبر اکرم (ص) به فرمان خداوند در حالی که **حسین (ع)** را در آغوش و دست **حسن (ع)** را در دست داشت، و **فاطمه (س)** و **علی (ع)** پشت سرش حرکت می‌کردند، به میدان مباحله گام نهاد.

هیئت نمایندگی نجران از اینکه پیامبر (ص) فرزندان معصوم و یگانه دختر و یادگار خود را به صحنه مباحله آورده است، شگفت‌زده شدند و عقب‌نشینی کردند. اسقف نجران گفت: من چهره‌هایی می‌بینم که هر گاه دست به دعا بلند کنند و از درگاه الهی بخواهند که بزرگترین کوه‌ها را از جای بکنند، بی‌درنگ کنده می‌شود. ما هرگز حاضر به مباحله نیستیم. **بدین سان داستان مباحله، پایه‌های حکومت نوبنیاد مدینه را استحکام بخشید.**

نتیجه این بخش از تلاش پیامبر (ص) در گفت‌وگو با نمایندگان نجران آن شد که برخی از مسیحیان ایمان آوردند و گروهی پذیرفتند که در برابر بهره‌مندی از امنیت حکومت اسلامی، مالیات ویژه بپردازند. از طرف دیگر، اهل کتاب را به سوی وحدت اصولی با یکدیگر و مسلمین سوق داد و جامعه خداشناس را به رویکرد مدیریتی و راهبری خود در مقابل کلیت مشرکین متحد ساخت.



### منابع

۱. قرآن کریم
۲. زرگری‌نژاد، غلامحسین؛ تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۳. جوان‌مهر، حسین. سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)، جلد ۱. رشت: کتاب مبین، ۱۳۸۳.
۴. نصیری، محمد؛ تاریخ تحلیلی صدر اسلام، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵.